



ملاط اور است؛ به جد عرض می‌کنم که ملاط اور است. مطالعه مقالات و کتب مرتبط با مدیریت جهادی بسیار ملاط اور است. وقتی بودجه‌های الکی برای چنین کارهایی در نظر گرفته می‌شود، دور از انتظار نیست که حتی فلان آقای که آخر هزمنده‌اش تألیف کتاب‌های تست متعدد باشد هم به ...

جهادی برای نجات مدیریت جهادی ۱۲



شاید بحثی را که می‌خواهیم مطرح کنیم به قدری ساده باشد که در روزمرگی‌های زندگی بحث در میان احاد اجتماع در این رابطه بسیار داغ باشد. سایپا و ایران خودرو دو خودروساز ایرانی هستند که سال‌هاست محصولات خود را اگر نگویم در یک تنوع، در کمترین تنوع تولید می‌کنند. به راستی چرا این گونه است؟

خودرو داخلی یا خارجی؟ ۵



## چشمه در گفتگو با دانشجوی فداکار تربیت مدرس

صفحه ۱۰ و ۱۱

## تشویق و ترغیب عامل رشد و شکوفایی

- ۲ دکتر سعید کاظمی نجفی، یکی از برگزیدگان کتاب سال جمهوری اسلامی
- ۳ سخنرانی سلیمی‌نمین پژوهشگر و تحلیل‌گر سیاسی در مسجد دانشگاه
- ۴ دارالفنون؛ گوهری که قدرش را نمی‌دانیم
- ۶ سیاستمداران مفلس در مقایسه با انقلابیون مصلح
- ۷ تحلیلی بر شورش‌های اخیر از منظر اقتصادی و سیاسی
- ۸ حرف بزنی تا شنیده بشی
- ۹ بچه‌ها کمی احتیاط کنید!

## اقتصاد ربوی عامل بسیاری از مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی جامعه ماست

کمیت‌گرایی گرفتار نشدند. مسئول نهاد رهبری دانشگاه درباره عوامل غیرکمی و نقش عمده آن در تحولات زندگی گفت: هرچند خوشبختانه باور به علل و عوامل غیرمادی و خارج از درصدها و آمارهای کمی در جوامع امروزی به ویژه جوامع اسلامی همچنان بالاست، لکن در عمل پاره‌ای از مهم‌ترین آموزه‌های وحیانی و دینی خود را رها کرده‌ایم و این موجب مشکلات عدیده‌ای برای اخلاق و اقتصاد جامعه شده است. استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس در این باره به موضوع اقتصاد ربوی اشاره کرد و گفت: اقتصاد مبتنی بر ربا ویران‌کننده است. ربا طبق بیان صریح قرآن کریم اعلان جنگ با خداوند است. ربا مهلک‌ترین و مخرب‌ترین عامل برای اقتصاد و اخلاق و همه زوایای کشور است. آیا مشکلات عدیده اقتصادی ما و بعضاً کلاف سردرگم آن ناشی از نادیده گرفتن این آموزه قرآنی نیست. چرا نمی‌خواهیم باور کنیم و چرا صرفاً به درصدهای کمی اکتفا کرده‌ایم. آیا این همان متأثر شدن از مولفه کمیت‌گرایی رایج در جهان کنونی نیست، که عقل ما نیز در زمین سست عقلانیت اصطلاحاً

پیشرفت‌های حاصل از نگاه کمی به عالم و روش‌شناسی مبتنی بر کمیت‌گرایی را انکار کرد، باید به یک مشکل بزرگ اشاره نمود. فراموشی، به حاشیه بردن و در نهایت انکار ساحت‌های دیگر موجود در عالم پیامد این نگاه افراطی بود. با یک نگاه عمیق‌تر به عالم بدون اینکه بخواهیم کمیت‌گرایی را در عالم حذف کنیم، چه اینکه این کار اساساً ممکن نیست، اما می‌توانیم بفهمیم که عالم ما صرفاً با محاسبات کمی و آماری اداره نمی‌شود. در این عالم عوامل و علل دیگری هم هست که نقش آنها نه تنها کمتر از علل و عوامل کمی و آماربردار و درصددار نیست، بلکه بسیار بیشتر از این عوامل است و بالاتر اینکه علت اصلی عوامل کمی عالم است. حجت‌الاسلام فلاح‌رفیعی با اشاره به برخی ریاضیدانان و فیزیکدانان برجسته غربی گفت: اینان ضمن اینکه از نواای ریاضی و فیزیک محسوب می‌شدند و در جهات گوناگونی تاکنون بی‌نظیر بوده‌اند، اما افرادی بسیار معتقد به باورهای دینی و علل و عوامل غیرمادی بوده که در چنبره



این پیشرفت‌ها بیش از هر چیزی از تغییر رویکرد و نگرش به عالم و روش‌شناسی در علوم حاصل شد. یکی از این روش‌ها، نگاه ریاضی به عالم و قراردادن ریاضیات به عنوان زبان علم جدید بود. دکتر فلاح‌رفیعی افزود: ضمن اینکه نمی‌توان

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر فلاح‌رفیعی مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس در جلسه شورای دانشگاه با ادامه بحث مولفه‌های عقلانیت غربی به نقش روش‌شناسی جدید در پیشرفت‌های علمی در دوره جدید اشاره کرد و افزود:

## دکتر سعید کاظمی نجفی، یکی از برگزیدگان کتاب سال جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه یک



ابزاری آن گرفتار آمده است. دکتر فلاح رفیع در بخش پایانی سخنان خود گفت: البته این به معنای آن نیست که لزوماً کمیت‌گرایی در همه جا یکسان است و یک گونه عمل را موجب می‌شود؛ این کمیت‌گرایی در هر جامعه‌ای متناسب با آن جامعه رخ می‌دهد و در جامعه ما امروزه یکی از تبعات آن بروز اقتصاد ربوی و درصدهای به ظاهر درآمدزای سرمایه ربوی است. در حالی که از نگاهی عمیق‌تر و کیفی‌تر اساساً این عامل بسیار مخرب است و اگر ما اندکی دقت کنیم خواهیم دید که اثرات سوء آن چقدر برای جامعه و به ویژه اقتصاد ما زیانبار بوده است. این همان عقل بازی‌کننده در زمین عقلانیت غیرو حیانی است.

کتاب سال این دوره نیز کتاب‌ها در حوزه‌های مطالعات اسلامی، تاریخ علم، فقه، حقوق، تاریخ، تمدن اسلامی، مطالعات علوم قرآنی، هنر، معماری، اقتصاد اسلامی، علم کلام، تصوف عرفان، تاریخ اسلام و تمدن اسلامی، مطالعات شیعی و اسلام معاصر ارزیابی شدند. در سی و پنجمین دوره این جایزه در نهایت ۲۸ اثر تالیفی، ۱۳ اثر ترجمه‌ای و دو اثر تصحیحی انتخاب و به عنوان برگزیده و یا شایسته تقدیر تعیین شدند. سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال و جایزه جهانی کتاب سال با هدف حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان، مصححان و ناشران سراسر کشور و ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی برگزار شد. در این مراسم سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با گرامیداشت ایام فجر و یاد و خاطره امام راحل و شهدای انقلاب اسلامی، اظهار کرد: انقلاب ما با کتاب متولد شده است، همان‌گونه که اسلام با کتاب متولد شد. انقلاب ما از معدود انقلاب‌هایی بود که رهبران آن از نویسندگان کتاب بودند؛ امام خمینی (ره)، آیت الله طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی، مقام معظم رهبری و هر شخصیت موثر دیگری در انقلاب ۵۷ از نویسندگان و مولفان بوده‌اند. او در ادامه گفت: انقلاب اسلامی با کتاب شروع شد. کتاب‌ها، خیابان‌ها را پر کردند. پیاده‌روهای تهران و شهرهای دیگر پر از کتاب شده بود. انقلاب ما برای پایداری خود به کتاب نیازمند است. کتاب‌ها نقطه اتصال علم، فرهنگ، هنر و دین هستند و در کشورهای دیگر هم همین‌گونه است. این مسائل با کتاب پیوند عمیقی دارند. صالحی همچنین اظهار کرد: اگر بخواهیم تشبیهی داشته باشیم کتاب مانند ذخایر نفت خام است که با پتروشیمی می‌توان این ذخیره ارزشمند را فرآوری کرد و آن را به فرهنگ خلاق، هنر پویا و دین عالمانه، نه دین عامیانه تبدیل کرد. اگر بخواهیم توسعه پایدار، همه‌جانبه، متکامل و ژرف‌نگر داشته باشیم به کتاب نیازمندیم.

می‌دهد و گاهی یک شعر حافظ از سوی ۱۰ نفر، ۱۰ روش برداشت می‌کنند و این به معنای آن است که یک اندیشه دقیق و بلند است. رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود البته بیشتر اندیشه این افراد از اسلام، قرآن، حدیث و کلام پیامبر (صلی الله علیه و اله) و معصومین (علیه‌السلام) گرفته شده است. روحانی با طرح این سوال که می‌گوید چرا کتاب نمی‌خرند و نمی‌خوانند، گفت: بخشی تقصیر ما است، باید به گونه‌ای بنویسیم که مردم تشنه آن هستند و هر چیزی فصلی دارد و باید براساس نیاز جامعه مطالب نوشته شود. وی خاطرنشان کرد همین امروز در دنیا کتابی چاپ می‌شود که مردم صبح صف می‌بندند تا کتاب را بخرند، چرا که نوشته‌های آن منطبق بر نیاز جامعه است. حال ممکن است این نیاز سیاسی، حزبی، فرهنگی و علمی باشد که اگر منطبق بر نیاز جامعه چیزی نوشتیم حتماً مورد استقبال قرار می‌گیرد. رئیس جمهوری تاکید کرد: دولت باید تسهیل‌گر و کمک‌کننده مولفان و نویسندگان باشد. گاهی کتابی نوشته می‌شود و در جای دیگر برای ممیزی می‌آید که معلوم نیست چه کسانی در ممیزی هستند. روحانی اظهارداشت: اگر از من بپرسید می‌گویم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ممیزی را به انجمن‌های اندیشمندان، فرهیختگان و ناشران بزرگ واگذار کند که امور را دقیق‌تر انجام دهند. وی تصریح کرد: امور را به اهلس و اگذار کنیم و هر چیزی را که به اهلس و اگذار کنیم، موفق‌تر خواهد بود. رئیس جمهوری در این مراسم از برگزیدگان داخلی و خارجی سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال و بیست و پنجمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران تقدیر کرد. در این دوره از جایزه کتاب سال، داوران در ۷۲ گروه آثار تولیدشده در سال ۱۳۹۵ را بررسی کرده‌اند. کتاب‌های تالیف و ترجمه گروه‌های کلیات، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، دین، علوم اجتماعی، زبان، علوم کاربردی، هنر، ادبیات و تاریخ ارزیابی شده‌اند. در بخش جایزه جهانی

آثار برگزیده سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران چهارشنبه ۱۸ بهمن‌ماه و طی مراسمی با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی، رئیس جمهوری در تالار وحدت در تهران، معرفی شدند. در این دوره از دکتر سعید کاظمی نجفی عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی با کتاب ارزیابی غیرمخرب درختان سرپا (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز نشر آثار علمی، ۱۳۹۵) به عنوان یکی از برگزیدگان کتاب سال جمهوری اسلامی تجلیل شد. حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی در این آیین طی سخنانی گفت: امروز بار رسالت سنگینی بر دوش نویسندگان و مولفان ما است برای این که بتوانند هر آنچه برای جامعه مفید و لازم است را از طریق بیان، کتابت و تبیین زبان واقعیت‌ها بیان کنند و این فرصت نامحدود است. وی تصریح کرد: همه ما فرصت عمری به اندازه ۶۰ الی ۷۰ ساله و گاهی ۱۰۰ ساله داریم که این محدود است و زمان نشاطی که می‌خواهیم یاد بگیریم محدودتر است. وی ادامه داد: هم زمان محدود برای فراگیری و هم تبیین و منتقل کردن به دیگران مهم است. مهم است چه کتاب یا مطلبی بنویسیم و چه موردی نیاز اصلی زمان امروز ما است. رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: ممکن است یک نوشته بحث خوبی باشد ولی برای کلاس دوم یا سوم دبستان به درد نخورد یا برای اول و دوم دانشگاه به درد بخور نباشد. روحانی گفت: زمان، موقعیت، انقلاب، تاریخ، دوستان، دشمنان، منطقه و جهان همه شرایط باید در نظر بگیریم و اهداف و آرمان‌های بلند را مدنظر قرار دهیم و بر آن مبنا ببینیم بهترین نیاز چیست که بنویسیم تا منتقل شود. وی با طرح این سوال که چرا بعضی از کتاب‌ها جاودانه و برخی در چاپ اول دچار مشکل می‌شود، تصریح کرد: کتاب حافظ، سعدی و مولانا هرچه می‌خوانیم کهنه نمی‌شود، این چه اندیشه‌ای است که قرن‌ها نورافشانی می‌کند و جاده را نشان

### مدیران گروه های آموزشی ژنتیک، برنامه‌ریزی حمل و نقل و باغبانی دانشگاه منصوب شدند



دکتر صادقی زاده، دکتر صفارزاده، دکتر بابایی

براساس احکام صادره، دکتر مجید صادقی‌زاده با رتبه علمی استاد به عنوان مدیر گروه ژنتیک دانشکده علوم زیستی، دکتر محمود صفارزاده با رتبه علمی استاد به عنوان مدیر گروه برنامه‌ریزی حمل و نقل دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست و دکتر علیرضا بابایی با رتبه علمی استادیار به عنوان مدیر گروه باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه منصوب شدند. در بخشی از این احکام که به امضای دکتر محمد تقی احمدی رسیده، آمده است: «امید است با توکل به خداوند سبحان و استفاده از توان و تجارب همکاران و در نظر گرفتن برنامه راهبردی دانشگاه، با تدبیر امور در جهت ارتقای گروه، دانشکده و دانشگاه و انجام وظایف محوله موفق و مؤید باشید.» همچنین رئیس دانشگاه در نامه‌هایی جداگانه از دکتر بهرام محمدسلطانی مدیر پیشین گروه ژنتیک، دکتر امیررضا ممدوحی مدیر پیشین گروه برنامه‌ریزی حمل و نقل و دکتر کاظم ارزانی مدیر پیشین گروه باغبانی به خاطر تلاش و خدمات صادقانه ایشان در زمان تصدی مدیریت گروه‌های آموزشی مذکور تقدیر و تشکر کرد.

## سخنرانی سلیمی‌نمین پژوهشگر و تحلیل‌گر سیاسی در مسجد دانشگاه

سوءاستفاده دشمنان داخلی و خارجی از این حرکت و مشارکت را افت دوم دانست و به آماده نبودن برخی زیرساخت‌ها و امکانات مانند نیروهای کنترل‌کننده آموزش دیده به عنوان تسهیل‌کننده این سوءاستفاده‌ها اشاره کرد.

استاد سلیمی‌نمین ادامه داد که جریانات سیاسی نباید از این مشارکت بهره‌برداری سوء کنند بلکه می‌بایست مدتی پیگیری مطالبات خود را به عقب بیندازند تا جامعه به لحاظ سیاسی یک گام رشد کند تا حضور مردم به انحراف کشیده نشود.

گفتنی است در پایان مراسم سخنرانی نیز این فعال سیاسی پاسخگوی سوالات متعدد حاضرین بودند. ایشان در پاسخ سوال از تعدد اختلاس‌ها و انحرافات سیاسی و اقتصادی گفت: افشاء و انعکاس خبری این اختلاس‌ها و انحرافات سیاسی و اقتصادی از یک نگاه عمیق‌تر نشانگر رشد و توسعه سیاسی، اقتدار نظام و عزم راسخ در مبارزه با انحرافات است. نظام ما هرچه جلوتر آمده است، در این زمینه رشد خوبی داشته‌ایم و محاکمه و مبارزه با اینگونه انحرافات در نظام بیشتر شده و ظرفیت لازم در جامعه ایجاد شده است.



آسیب‌ها هم توجه داشت؛ آفت اول اینکه اگر اصول در این حرکت پیش‌رونده رعایت نشود موجب عقب‌گرد و پسرفت می‌شود مشابه آن چیزی که در مناظرات انتخاباتی سال ۸۸ شاهد آن بودیم. وی امکان

سلیمی‌نمین خاطر نشان ساخت: در همین قضیه اغتشاشات اخیر ابتدا تظاهرات مال باختگان به صورت آرام و با هدایت پلیس اتفاق افتاد که منجر به تصمیمات نسبتاً خوبی هم از سوی دولت شد. البته باید به آفات و

در ادامه ویژه‌برنامه‌های ایام الله دهه مبارک فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مراسم سخنرانی استاد عباس سلیمی‌نمین پژوهشگر و تحلیل‌گر سیاسی، پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

این پژوهشگر سیاسی در بخش نخست سخنان خود ضمن بیان این نکته که «مدتی است موضوع خلا مشارکت مردم حد فاصل دو انتخابات در فضای سیاسی ما مطرح می‌شود» افزود: ما می‌توانیم اظهارنظر و اراده مردم را در جامعه البته از راه‌های قانونی داشته باشیم و این یک قدم اساسی در توسعه‌ی سیاسی کشور است؛ هرچند که ممکن است آفاتی داشته باشد. وی در توضیح اهمیت این موضوع و این که چرا مشارکت مردم گامی بلند در جهت توسعه‌ی سیاسی است، به انتظارات مردم پرداخت و گفت: بیان این مطالبات و جهت‌دهی درست به آنها می‌تواند موجبات رشد کشور را فراهم آورد.

## آمادگی دانشگاه تربیت مدرس برای آموزش نیروی تکنسین معاینه موتورخانه‌ها

رئیس انجمن احتراق ایران افزود: ۳۶ تا ۳۸ درصد مصرف سوخت کشور ناشی از موتورخانه‌هاست و ۳۵ درصد آلایندگی در کشور نیز از موتورخانه‌ها ایجاد می‌شود که بدون استفاده از هیچ تکنولوژی جدید و تنها با معاینه فنی درست و به موقع می‌توان حداقل ۲۰ درصد از مصرف سوخت و ۹۰ تا ۹۵ درصد از آلایندگی موتورخانه‌ها را کم کرد.

وی تصریح کرد: بحث فرهنگ‌سازی در این خصوص بسیار حائز اهمیت است و در ایران تنها ۴ شرکت مورد تایید، قادر به انجام معاینه فنی موتورخانه‌ها هستند. دانشگاه تربیت مدرس با تاکید بر این امر می‌تواند به عنوان دانشگاه پایلوت در کشور شناخته شود و در بحث آموزش نیروی تکنسین جهت تعمیر و معاینه موتورخانه‌ها گامی اساسی بردارد.

رئیس دانشکده مهندسی مکانیک تصریح کرد: در حال حاضر ۲۰ تا ۵۰ تکنسین در این زمینه در کشور وجود دارد که براساس تخمین حاصل شده این تعداد باید حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر باشد که تربیت این تعداد تکنسین احتیاج به یک پروسه زمانی ۵ ساله و کارگاه‌های خاص دارد که ضمن فرهنگ‌سازی در این زمینه با تامین بودجه لازم جهت تامین کارگاه‌های مورد نیاز، می‌توان آموزش‌های لازم را برای تربیت پرسنل مورد نیاز کل کشور انجام داد.

در کشور ما، بخش ساختمان و مسکن با داشتن سهم قابل توجهی در مصرف انرژی، یکی از بخش‌های عمده مصرف‌کننده انرژی بوده و میزان مصرف انرژی در این بخش چندین برابر استانداردهای جهانی است.

معاینه فنی موتورخانه‌ها، روشی بسیار سودمند برای کاهش مصرف انرژی و کاهش تولید گازهای آلاینده و سمی می‌باشد. این استاندارد به عنوان یک گام ضروری جهت ممیزی، بهینه‌سازی و کاهش معضلات موتورخانه‌هاست. دانشگاه تربیت مدرس می‌تواند در زمینه معاینه فنی موتورخانه‌ها به عنوان دانشگاه پایلوت در کشور شناخته شود و در بحث آموزش نیروی تکنسین جهت تعمیر و معاینه موتورخانه‌ها گامی اساسی بردارد. دکتر کیومرث مظاهری رئیس دانشکده مهندسی مکانیک با اعلام این مطلب بر اهمیت موضوع احتراق و نقش موتورخانه‌ها در مصرف سوخت و آلایندگی هوا تاکید کرد.

وی اظهار داشت: دولت از تیرماه سال ۹۵ آیین‌نامه‌ای را ابلاغ کرد که براساس آن همه مراکز دولتی باید سالی دو بار معاینه فنی موتورخانه‌ها را انجام دهند. حدود دو ماه پیش نیز آیین‌نامه‌ای در مجلس تصویب و به تایید دولت رسید که یکی از بندهای آن بر موضوع معاینه فنی موتورخانه‌ها تاکید شده بود.

## سومین کنفرانس زیست‌شناسی سامانه‌های ایران در دانشگاه تربیت مدرس برگزار می‌شود



برای این کنفرانس است. چالش بزرگی که در حال حاضر دانشمندان در زیست‌شناسی سامانه‌ها (Systems Biology) با آن روبرو هستند، بهره‌برداری از انبوهی از داده‌ها و اطلاعات در سطوح مختلف سلولی و فرآیندهای رشد و نمو موجودات زنده و ادغام و تحلیل این اطلاعات به منظور درک بهتر برهم‌کنش سطوح مختلف زیستی است.

برای دستیابی به این هدف، باید روش‌های ریاضی و کامپیوتری مناسبی برای مدل‌سازی و شبیه‌سازی سامانه‌های پیچیده زیستی طراحی کرد. بدین ترتیب به ابزاری مناسب برای استخراج اطلاعاتی کارآمد و مفید از این داده‌های خام که در پایگاه‌های داده‌ها جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند، نیاز است. ابزارهای مدل‌سازی در پروراندن ایده‌های نظری و فرضیات با استفاده از داده‌های خامی که در پایگاه‌های داده‌ها نگهداری می‌شوند، کمک می‌کنند.

سومین کنفرانس زیست‌شناسی سامانه‌های ایران به همت ستاد توسعه زیست‌فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و دانشکده مهندسی شیمی طی روزهای هشتم و نهم اسفندماه سال جاری سالن شهید چمران دانشگاه برگزار می‌شود.

سومین کنفرانس زیست‌شناسی سامانه‌های ایران با محوریت مدل‌سازی ریاضی شبکه‌های بیوشیمیایی (متابولیکی، تنظیمی، سیگنالی و غیره) و واکاوی داده‌های امیکس و ادغام داده‌ها (ژنومیکس، ترانسکریپتومیکس، پروتئومیکس، متابولومیکس و غیره) برگزار می‌شود.

همچنین استفاده از رویکرد سامانه‌ها و بررسی برهم‌کنش‌های اجزای زیستی، مهندسی متابولیک و پیرایش ژنوم، زیست‌شناسی مصنوعی و طراحی مدارهای زیستی، مدل‌سازی چند مقیاسه و بررسی برهم‌کنش‌های بین سلولی، کاربرد زیست‌شناسی سامانه‌ها در صنعت و پزشکی از دیگر محورهای تعیین شده



محسن سعادت

تذکره



دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

## دارالفنون؛ گوهری که قدرش را نمی دانیم

شدن گریبایدف، کاردار روسیه در ایران، به روسیه سفر کرد و در آنجا مدارس جدید، کارخانه‌ها و بنیادهای علمی و فنی روسیه را دید. همچنین، وی در سال ۱۲۵۹ قمری سرپرست گروه ایرانی در نشست ارزنه‌الروم در خاک عثمانی بود و در سه سالی که آنجا بود با مدارس جدید عثمانی آشنا شد و از جان داودخان، مترجم نخست دولت ایران، خواست چند کتاب شناخته‌شده تاریخی، جغرافی و سیاسی را که خود برگزیده بود، به فارسی برگرداند. پس از برگزیده شدن امیرکبیر به صدراعظمی، ایشان به جای اینکه به گسترش شهر و برافراشتن کاخ و کوشک بپردازد دارالفنون را تاسیس کرد.

سنگ بنای مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۶ قمری در شمال شرقی ارگ سلطنتی نهاده شد و در یکشنبه ۲۵ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ قمری / ۹ دی ۱۲۳۱ مدرسه دارالفنون افتتاح شد. بانی فرهنگ جدید ایران، امیرکبیر، سیزده روز پس از آغاز کار دارالفنون، در حمام فین کاشان به دست دژخیمان بی‌فرهنگ به قتل رسید، اما نامش به همراه دارالفنون که تاریخ علوم جدید را رقم زد، برای همیشه در خاطرها ماند. به تدریج، از دل مدرسه دارالفنون آموزشگاه‌های متوسطه بیرون آمد و تا انقلاب مشروطه خانه علوم جدیدی چون طب، نقاشی، نظام، فیزیک، شیمی، داروسازی، حقوق و سیاست بود.

اگرچه امیرکبیر را باید معمار واقعی دارالفنون دانست، در هیچ‌یک از نامه‌های امیرکبیر نامی از دارالفنون دیده نمی‌شود. عنوان دارالفنون نخستین بار در نامه‌ای آمده است که میرزا علی‌خان، وزیر امور خارجه، در ۲۴ محرم سال ۱۲۶۸ قمری به کلاتر تهران و عزیزخان آجودان‌باشی نوشت. در این نامه آمده است: «مقرر شده است سی تن، پانزده تا شانزده سال، از اولاد خوانین و اعیان و اشراف در دارالفنون دارالخلافت به تحصیل مشغول شوند.» تا قبل از نامه وزیر امور خارجه به کلاتر تهران، در نامه رسمی و خصوصی امیر، نام آن مدرسه مکتب‌خانه شاهی یاد شده است.

دارالفنون را باید نخستین مدرسه طب در ایران نیز دانست. میرزا حسین دکترا، از محصلان دوره اول، به اروپا رفت آنجا درجه‌ی دکترا گرفت و به ایران که آمد معلم طب جدید دارالفنون شد. با دکتر امیراعلم و دکتر قاسم غنی که وی علاوه بر کار طب به پژوهش‌های ادبی هم علاقه‌مند بود. دکتر محمود نجم‌آبادی، لقمان‌الدوله، رئیس مدرسه طب دولتی بود. مدرسه طب تا محرم سال ۱۲۹۵ شمسی جزو یکی از شعبات دارالفنون بود. در سال ۱۳۰۲ شمسی، عمارت مسعودیه را سردار سپه به مبلغ سی هزار تومان خریداری کرد و آن را برای تاسیس مدرسه علوم عالی به وزارت معارف هدیه کرد. آن زمان فقط رشته‌های پزشکی و حقوق در ایران وجود داشت.



علمی و فنی در قرن نوزدهم بود. ما وقتی از تحولات علمی و پیشرفت‌های فنی کشورهای دیگر اطلاع یافتیم که در جنگ با روس شکست فاحشی خوردیم و شهرهای شمالی ایران را از دست دادیم. عباس میرزا نایب‌السلطنه از خود پرسید که علت این شکست چه بود. پاسخ را از دیگران هم جویا شد که به او گفتند دانش جنگی نمی‌دانید، به علم روز و دانش فنی جدید واقف نیستید و به دانستن علوم و فنون جنگی و غیرجنگی نیاز دارید. عباس میرزا برای رفع این مشکل در دو نوبت تعدادی محصل را برای فراگیری دانش جدید به اروپا اعزام کرد.

نخستین روزنامه را میرزا صالح، از دانشجویان فرستاده به انگلیس، به نام «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۵۳ قمری منتشر کرد. نخستین مدرسه ابتدایی به شیوه امروزی به همت میرزا حسن خان رشیدی در ۱۲۵۴ قمری که به تبعیت از روش‌های آموزشی نو در بیروت فرا گرفته بود، ابتدا در ارومیه و یک سال پس‌از آن در تبریز تاسیس شد.

بنیان‌گذاری دارالفنون مهم‌ترین کار آموزشی در دوران قاجاریه بود که به کوشش میرزا تقی‌خان امیرکبیر، وزیر نامدار ناصرالدین‌شاه، انجام شد. میرزا تقی‌خان در سال ۱۲۴۴ قمری، هنگامی که تنها ۲۲ سال داشت، به همراه گروهی به سرپرستی خسرومیرزا برای پوزش خواستن از کشته

همان‌گونه که هنگام ورود به شهر خرمشهر می‌گوییم بی‌وضو وارد خرمشهر نشوید، معتقدم برای ورود به دارالفنون هم باید گفت بدون وضو وارد دارالفنون نشوید. بنای باشکوه دارالفنون اگر در کشور دیگری بود، نه با حدود ۱۶۰ سال قدمتی که تا الان دارد، بلکه حتی اگر پنجاه سال هم قدمت داشت، از قبل این بنای تاریخی به جذب گردشگر می‌پرداخت؛ هم آن را به رخ می‌کشید و هم کسب درآمد می‌کرد. آیا می‌دانید اولین کسی که سرود «ای ایران ای مرز پرگوهر» را سرود حسین گل‌گلاب، فارغ‌التحصیل دارالفنون، بود؟ هر وقت می‌خواهیم برای ایران، ترنمی کنیم، سرود «ای ایران» را زمزمه می‌کنیم. آیا می‌دانید ۸۵ نفر از فارغ‌التحصیلان دارالفنون به مقام وزارت رسیدند که سی نفر آنان وزیر معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش بودند؟

آیا می‌دانید شاعر معاصر خوب ما که سربالش از صداوسیما پخش شد، محمدحسین شهریار، برآمده از دارالفنون است؟ ملک‌الشعراى بهار، دکتر نصرالله کاسمی، دکتر جواد تربیتی و منوچهر نیستانی از شاعران معروف دیگری هستند که در دارالفنون درس خوانده بودند. محمد غفاری (کمال‌الملک)، نقاش بزرگ، کسی که گوشه‌هایی از زندگی پرحادثه‌اش در کتاب «چشم‌هایش» نوشته بزرگ علوی آمده، در دارالفنون بود و صنایع مستظرفه (کلاس نقاشی) را در دارالفنون راه‌اندازی کرد.

آیا می‌دانید داستان نویسی جدید در آنجا پا گرفت؟ در دارالفنون در تمام دوره فعالیت خود، پیش از آنکه به دبیرستان تبدیل شود، درس‌هایی مانند فیزیک، شیمی، هندسه، جغرافیا، طب، داروسازی و بعضی فنون به‌ویژه نظام آموزش داده می‌شد.

آیا می‌دانید تألیف اولین کتب درسی در آموزش جدید در دارالفنون بود؟ اولین مسأحی ایران دارالفنونی‌ها انجام دادند. میرزا عبدالرزاق بغایری در هجده‌سالگی وارد دارالفنون شد. در مدرسه به مدت شش سال، جبر، مثلثات، هندسه و هیئت را از مرحوم میرزا محمودخان نجم‌الملک فراگرفت و پس از هشت سال مطالعه، شصت قطعه نقشه کوچک و بزرگ از ایران را تهیه کرد. او در سال ۱۳۱۲ قمری یک کره جغرافیا ساخت. کتاب درسی جغرافی را اولین بار دارالفنونی‌ها تألیف کردند.

دارالفنون را باید نخستین مدرسه طب در ایران نیز دانست. میرزا حسین دکترا، از محصلان دوره اول، به اروپا رفت آنجا درجه‌ی دکترا گرفت و به ایران که آمد معلم طب جدید دارالفنون شد، با دکتر امیراعلم و دکتر قاسم غنی که وی علاوه بر کار طب به پژوهش‌های ادبی هم علاقه‌مند بود. دکتر محمود نجم‌آبادی، لقمان‌الدوله، رئیس مدرسه طب دولتی بود. مدرسه طب تا محرم سال ۱۲۹۵ شمسی جزو یکی از شعبات دارالفنون بود. در سال

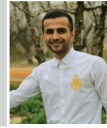
۱۳۰۲ شمسی، عمارت مسعودیه را سردار سپه به مبلغ سی هزار تومان خریداری کرد و آن را برای تاسیس مدرسه علوم عالی به وزارت معارف هدیه کرد. آن زمان فقط رشته‌های پزشکی و حقوق در ایران وجود داشت. وزیر معارف آن زمان، مشارالدوله بود که عمارت کاخ مسعودیه را با هزینه‌ای حدود چهار هزار تومان مرمت کرد و ادارات وزارتخانه را که در بالاخانه‌های دارالفنون بود، به کاخ مسعودیه منتقل کرد. تا مدتی مدرسه عالی طب و داروسازی نیز در بخشی از آن ساختمان برپا بود. اولین پیوند رگ در دارالفنون زده شد و اولین تشریح انسان در آنجا انجام گرفت.

محققان بزرگی چون عبدالعظیم قریب، غلامحسین رهنما، دکتر عیسی صدیق، دکتر علی‌اکبر سیاسی، دکتر قاسم غنی، دکتر پرویز نائل خانلری، احمد آرام و بدیع‌الزمان فروزانفر از دارالفنون برخاسته بودند.

از کارگردانان مشهور سینما در دارالفنون بهرام بیضایی و محمدعلی نجفی، کارگردان سریال سرداران را می‌توان نام برد.

این و آن، همه نشان‌دهنده اهمیت اکنون دارالفنون در ایران است. برپایی دارالفنون دو علت داشت. یکی ضرورت‌ها و نیازهای داخلی جامعه روزگار قاجاریه بود تا با رهایی از یوغ جهل و عقب‌ماندگی تاریخی، بتواند بنیاد نظام کهنه آموزش را درهم ریزد. علت دوم تحولات شگفت‌انگیز عرصه‌های

## خودرو داخلی یا خارجی؟



فرزاد شریعت نیا

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

آگاهی



خودروساز گفته‌اند که شرکت‌های خودروساز خارجی توان تولید کیفیت مورد نظر آن‌ها را ندارد. بهتر نیست این مدیر گرامی توضیحاتی در مورد کیفیت مورد نظر خود ارائه بدهد تا مردم نیز اطلاع دقیق داشته باشند. اگر قرار است شفاف‌سازی در همه‌ی زمینه‌ها رخ دهد، خودرو و خودروسازی در ارجحیت است، چون جان میلیون‌ها هم‌وطن درگرو همین خودروهای داخلی است. امیدوارم روزی برسد که مسئولین به‌طور شفاف به مردم در این زمینه گزارش دهند.

هم جرئت و جسارت این را داشته باشیم در تولید و کیفیت خودروهای داخلی این فشار به خودروساز هم وارد شود. اما واقعا جای سؤال است خودروسازی که خود دولتی است چطور می‌تواند به خود سخت گیرد که خودرویی باکیفیت ارائه نماید؟ به‌راستی چرا خودروسازهای ما از طرح‌هایی که شرکت‌های بزرگ خودروسازی در جهان برای آن‌ها سر و دست می‌شکنند، استفاده نمی‌کند؟ چرا ما بعد از چهل سال انقلاب، می‌توانیم موشک و کشتی‌های غول‌پیمان تولید کنیم ولی توان تولید خودرویی باکیفیت را نداریم. به‌تازگی یکی از مدیران

باکیفیت و خوبی است خود نیز از آن استفاده نماید. ما چطور می‌توانیم بگوییم استفاده نکردن از تولیدات داخلی خیانت به نظام و انقلاب است؟ بهتر نیست به‌جای گفتن چنین سخنانی، کیفیت و تنوع خودروهای خود را ارتقا دهیم. انقلاب شکل گرفته است که مردم در همه زمینه‌ها در رفاه و امکانات کامل زندگی کنند و حق این را داشته باشند که از خودروهای باکیفیت استفاده نمایند. اگر گمرک خودروهای خارجی برداشته یا کمتر شود کسی از خودروهای داخلی استفاده می‌کند؟! قطعاً استفاده نمی‌کند. اگر ما این فشار را به مردم وارد می‌کنیم کمی

شاید بحثی را که می‌خواهیم مطرح کنیم به‌قدری ساده باشد که در روزمرگی‌های زندگی بحث در میان آحاد اجتماع در این رابطه بسیار داغ باشد. سایا و ایران خودرو دو خودروساز ایرانی هستند که سال‌هاست محصولات خود را اگر نگویم در یک تنوع، در کمترین تنوع تولید می‌کنند. به‌راستی چرا این‌گونه است؟ شما خودروسازهای خارجی را نگاه کنید هر ساله خودروهایی با تنوع و کیفیتی مطلوب‌تر از سال قبل به بازار می‌فرستند، این تنوع به‌قدری زیاد است که شخص خریدار در انتخاب بسیار آزاد است؛ وقتی به نگاهی به تولیدات شرکت‌های ایرانی می‌کنیم سال‌هاست خودروهایی همچون پراید و پژو و ... تولید می‌شود، تنوع در این خودروها در حد چراغ‌خطر است و هیچ کیفیت چشمگیری در آن افزوده نمی‌شود. دولت با وضع گمرک سنگین بر خودروهای خارجی از تولیدات بی‌کیفیت داخلی حمایت می‌کند و از آنجاکه خریدار هم قدرت خرید اتومبیل خارجی را ندارد به‌ناچار اتومبیل داخلی را انتخاب می‌کند. اگر نگوئیم در حالت اکراه قرار می‌گیرد ولی قطعاً در حالت اضطراری، ناچار به این انتخاب است. چرا وقتی خودروسازهای داخلی هیچ تلاشی برای ارتقا کیفیت و تنوع خودرو انجام نمی‌دهند و سال‌ها خودروهایی در چند تنوع محدود تولید می‌کنند باید مورد حمایت دولت قرار گیرند؟ این‌طور به نظر نمی‌رسد که ایران مافیای خودرو دارد که از این حمایت افراد به خصوصی سود کلانی می‌برند و ضرر آن را مردم به جان می‌خرند؟ چطور مدیری که خود تولیدکننده این خودروها است از آن استفاده نمی‌کند؟ اگر خودرویی

## بهانه غافل‌گیری از سکه افتاده است



تهران زد. ساختمان ریخت. آتش‌نشان‌ها آمدند تا بالاخره عده‌ای به فکر افتادند که این ساختمان‌ها خطرناک هستند. می‌بینید ما کلاً ملت غافل‌گیری هستیم. باید غافلگیر شویم تا زنده بمانیم. مدال غافلگیری طلایی با فاصله به ملت و مسئولان ما تعلق می‌گیرد بدون شک. داستان برف هم امروز یا فردا تمام می‌شود. باید منتظر بود تا ببینم سری بعد قرار است با چه اتفاقی غافل‌گیر شویم.

شدید. بعد مردم به دلیل بسته شدن راه‌ها به مقصد نرسند؟! کلاً عادت نداریم قبل از یک حادثه قابل پیش‌بینی کاری کنیم ما همیشه مردم بعد از حادثه هستیم. پلاسکو نمونه‌ی بارز آن است. همه می‌دانستند پاساژهایی مانند پلاسکو خطرناک هستند و عمری از آن‌ها گذشته است. هر لحظه خطر این ساختمان‌ها را تهدید می‌کند. کاری نکردیم که تا آتش به ساختمان قدیمی و معروف پلاسکو در

ما که مدیریت تمام بحران‌ها در کشور را به عهده دارد، بعد از زلزله غافل‌گیر شده بود. به قول آن ضرب‌المثل معروف که «هر چه بگردد نمکش می‌زنند وای به روزی که بگردد نمک»

زلزله غیرقابل پیش‌بینی است. برف را که می‌شود پیش‌بینی کرد. تمام موبایل‌هایی که سیستم آب‌وهوا دارند، اعلام کردند که بسیاری از شهرهای ایران طی دیروز و امروز درگیر برف خواهند بود، برفی بی‌سابقه.

تقریباً همه این را می‌دانستیم اما باز هم غافل‌گیر شدیم. مردمی که می‌دانستند برف می‌آید آن قدر دیر به دل جاده زده بودند که گرفتار برف شدند و شب را در اتوبان‌ها و جاده‌ها صبح کردند. یخ زدند تا صبح شود. مسئولان هم غافل‌گیر شدند. تمام جاده‌ها و معابر شهری قفل شده است. کلیدی هم نیست آن راپاز کند. مگر می‌شود هواشناسی اعلام کند آقا برف می‌آید آن هم

گویی ما ایرانی‌ها به دنیا آمده‌ایم که غافلگیر شویم. کجای جهان مردمانی پیدا می‌کنند که بعد از هر اتفاقی غافلگیر شوند؟ «غافل‌گیری» معنا ندارد. سال‌هاست بابت ناتوانی در برابر رخدادهای طبیعی و غیر آن، مثل باران و برف، سیل، زلزله، آتش‌سوزی و ... آنچه از مسئولان می‌شنویم توجیه ناتوانی در مدیریت بحران با عنوان کسالت‌بار «غافل‌گیری» است. معمولاً ما ایرانی‌ها در حوادث قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی دچار غافل‌گیری می‌شویم. اصلاً اگر غافل‌گیر نشویم باید شک کنیم.

زلزله خبر نمی‌کند. هیچ‌کس نمی‌داند قرار است کی زلزله بیاید. یک لحظه می‌آید و هزار خرابی به‌جا می‌گذارد و می‌رود. درجایی مثل ژاپن که سرزمین پر زمین‌لرزه است با خود گفته‌اند که حالا زلزله با ما زندگی می‌کند پس ساختمان‌هایی بسازیم که با زمین‌لرزه خم به ابرو نیاورند. پس با این تصمیم بعد از زلزله غافل‌گیر نمی‌شویم. در ایران ما، اما داستان فرق می‌کند. ستاد بحران

# سیاستمداران مفلس در مقایسه با انقلابیون مصلح

دلایل ورشکستگی احزاب و اهمیت احیای تفکر و فرهنگ انقلابی

طی ۴۰ سال گذشته به دلایل مختلف از جمله عدم توجه کامل و کافی به سیاست‌های کلی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری و رهنمودهای ایشان و همچنین عدم توجه به اولویت‌های کشور برخی سیاستمداران را به سمتی پیش برد که حل مشکلات و پیشرفت ایران را در اعتماد به غرب مخصوصاً امریکا دیدند. (قابل ذکر است که اساس تفکر انقلابی باید نگاه به درون و اتکا به خود باشد ولی در بعضی اوقات به دلیل تصمیم‌های غیرکارشناسی شده و همچنین مشاوره‌های غلط عده‌ای فریب خوردند و ضررهای بسیاری را به کشور و ملت وارد نمودند و امروز برای توجیه اعمال و افکار خود به جنگ روانی پرداخته‌اند که اساس آن سفسطه و به حاشیه بردن مسائل اصلی کشور و برجسته کردن مسائل فرعی است.)

۴- خودخواهی و عدم پذیرش اشتباهات  
۵- عدم درک صحیح از دین اسلام  
۶- عدم درک صحیح از مسائل سیاسی و موارد دیگر

(قابل ذکر است تمام خصوصیات فوق‌الذکر برای همه ی افرادی که از انقلاب و مصالح کشور زاویه گرفته‌اند نیست و ممکن است فردی یک خصوصیت و دیگری بیشتر آن خصوصیات را داشته باشد) عاقبت کلاه برداران سیاسی در آینده نزدیک چیست؟! نکته‌ای که مناسب است به آن اشاره شود این است که هنوز انقلاب زنده هست و جریان دارد و از طرفی ملت ایران با توجه به تجربه‌های تاریخی خود دیگر کاملاً آگاه و ریزبین شده، قدر امنیت مرزی و قدرت ایران در منطقه را می‌دانند، پی به دشمنی و منفعت طلبی غربی‌ها برده‌اند و در مجموع به کمال سیاسی رسیده‌اند. از این رو دیگر کسی نمی‌تواند با شعار و سفسطه آنها را گمراه نماید. لذا سیاستمداران ورشکسته در همه قوا، سازمان‌ها و نهادها یقین داشته باشند که مردم به زودی در انتخاب‌های مختلف نگاه خود را به سمت انقلابیون مصلح و نخبه خواهند گرداند و دیگر جایی برای منفعت‌طلبی و مغالطه‌کاری کلاهبرداران سیاسی نخواهد ماند. جریان انقلابی و مسئولان مخلص چگونه می‌توانند به روند پیشرفت کشور کمک نمایند؟! ۱- زمانی که انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به عدالت اجتماعی و رفع (ظلم، فساد، تفکر دیکتاتوری و...) به پیروزی رسید، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ترورهای منافقین باعث شد بسیاری از جوانان صالح، مخلص و نخبه به شهادت برسند که شاید اگر امروز تعدادی از آنها در جمع ما بودند می‌توانستند تحولات عظیمی را به وجود آورند! به عنوان مثال وقتی که تفکر انقلابی شهید دکتر مصطفی چمران که انسانی دانشمند، عارف و سیاستمداری معتدل بود را مرور می‌نماییم جای خالی ایشان و نسل ایثارگر اول انقلاب را بیشتر احساس می‌کنیم ولی امروز نیز جوانان نخبه

اگر فردی ترس از دست دادن جان، مال، آبرو و دیگر منافع شخصی را داشته باشد، نمی‌تواند برای عدالت، مبارزه با ظلم و فساد و رسیدن به حق و حقیقت قدمی کامل و مخلص بردارد! معنی انقلابی بودن نیز همین است یعنی با تفکر جهادی مسائل، مشکلات، فرصت‌ها و تهدیدها را ببینیم و با اخلاص حرکت نماییم و اگر فردی با توجه به شرایط و فرهنگ ایران چنین تفکری را نداشته باشد به احتمال زیاد دیر یا زود تبدیل به ورشکسته یا کلاه بردار سیاسی خواهد شد!

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با مردم آذربایجان شرقی فرمودند: ارتجاع ۱ وقتی اتفاق می‌افتد، معنایش این است که همان آدم‌های انقلابی سابق سرکارند اما خط را عوض کرده‌اند، راه را عوض کرده‌اند؛ گانه انقلاب شده بود برای اینکه آنها بروند و ما بیایم سرکار! برای این [کار] که انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدف‌های والائی را در نظر گرفتن و به سوی آنها حرکت کردن؛ اگر این هدف‌ها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست. بعضی خیال می‌کنند انقلاب فقط سال ۵۷ بود و تمام شد؛ این خطا است. انقلاب در سال ۵۷ شروع شد، نه این که تمام شد؛ آغاز تغییر، آغاز حرکت اصلاحی در جامعه در سال ۵۷ اتفاق افتاد، در بیست و دوم بهمن اتفاق افتاد و آنجا شروع شد؛ بندریچ این حرکت باید عمیق‌تر، وسیع‌تر، گسترده‌تر، خردمندانه‌تر ادامه پیدا کند، نه این که متوقف بشود.<sup>۲</sup>

حال با بیان این مقدمه به طرح چند سوال در خصوص دلایل ورشکستگی احزاب و اهمیت احیای تفکر و فرهنگ انقلابی در مقابل نگاه حزبی و تفکر لیبرال می‌پردازم: چرا برخی افرادی که از اول انقلاب در نظام بوده اند امروز خود همانند دشمنان قسم خورده ایران علیه نظام و ملت جنگ نرم راه انداختند؟

در جواب می‌توان گفت:  
۱- عدم درک صحیح از فلسفه تشکیل حزب که باعث شد منافع و روابط حزبی، آنها را از تفکر انقلابی دور نماید  
۲- دنیا طلبی: عده‌ای از اول همین خصوصیات منفعت طلبی را داشته‌اند ولی امروز با گذشت زمان به دلیل تامین نشدن منافع مورد نظرشان و یا به دلیل طرد شدن آنها توسط مردم و نظام چهره واقعی آنها نمایان شده است و دقیقاً به خاطر همین ظاهرسازی‌ها بود که حضرت امام (ره) فرمودند: میزان در هرکس حال فعلی او است<sup>۳</sup>  
۳- داشتن مشاوران ناآگاه و غرب‌گرا:

و انقلابی بسیاری داریم که اگر به آنها میدان بدهیم بسیاری از آنها می‌توانند همانند شهید حسن باقری فرماندهی جنگ نرم، امنیت و پیشرفت کشور را بر عهده بگیرند و مسائل و مشکلات کشور را با موفقیت هدایت نمایند. از این رو مناسب است که مسئولان کشور در همه‌ی قوا و نهادها به فکر انتصاب مدیران جوان در مجموعه‌ی خود باشند

- ۱- از طریق تبیین و گسترش فرهنگ انقلابی
  - ۲- داشتن تفکری مبتنی بر هدایت قدرت و نه صرفاً کسب قدرت
  - ۳- بازتاب عملکرد و تبیین تفکرات انقلابیون صالح
  - ۴- ترویج فعالیت‌های جهادی
  - ۵- مبارزه با ظلم و فساد
  - ۶- تبیین، تبلیغ و اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی و مقابله با تفکر لیبرال‌ها مخصوصاً در موضوع ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد بین‌الملل
  - ۷- تولید علم و کمک به شرکت‌های دانش‌بنیان
  - ۸- بررسی نیازهای روز جامعه و اصلاح روش‌ها و عرف‌های ناکارآمد و...
  - ۹- امیدآفرینی و کارآفرینی در جامعه به واسطه ظرفیت‌های کشور و مردم
  - ۱۰- توجه دقیق به سیاست‌های کلی نظام
  - ۱۱- بررسی مداوم اداره‌های جمهوری اسلامی تا هر جا از ریل انقلاب اسلامی خارج می‌شوند به آنها تذکر و یا پیشنهاد داده شود.
  - ۱۲- تلاش برای تمدن‌سازی نوین اسلامی تا مردم به رفاه دنیوی و سعادت اخروی برسند.
  - ۱۳- بالا بردن سطح آگاهی جامعه با توجه به گسترش سفسطه و وارونه کردن حقایق در رسانه‌های معاند
  - ۱۴- مقابله با اختلاس‌ها، رانت‌ها، زیرمیزی‌ها و قاچاق
  - ۱۵- تسلط و هوشیاری در جنگ نرم و بهره‌برداری صحیح از فضای مجازی و رفتن به سمت استقرار اینترنت ملی
  - ۱۶- مبارزه هوشمندانه با اعتیاد و همچنین موارد بی‌شمار دیگر...
- در نتیجه وظیفه مهم امروز این است که با

کمک یکدیگر تفکر و فرهنگ انقلابی را احیا نماییم، کشور را از شر ورشکستگان سیاسی، منفعت طلبان و مسئولان ناآگاه نجات دهیم، دست از حمایت احزاب موجود برداریم، میزان را در همه‌ی امور تفکر انقلابی بدانیم و در نهایت از جوانان نخبه و انقلابی نیز برای مسئولیت‌های مهم استفاده نماییم!

منابع

- ۱- تعریف ارتجاع در بیانات مقام معظم رهبری: یکی از مهم‌ترین آفت‌های همه‌ی انقلاب‌ها ارتجاع است. ارتجاع یعنی چه؟ یعنی این حرکتی که انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت میکردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند؛ این ارتجاع است؛ ارتجاع یعنی برگشت. همه‌ی انقلاب‌های بزرگ تاریخ که ما آنها را می‌شناسیم مثل انقلاب فرانسه، مثل انقلاب روسیه و انقلاب‌هایی که در کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین و جاهای دیگر اتفاق افتاد- تقریباً بدون استثنا در سال‌های اول عمر خودشان به این بله دچار شدند؛ این که چهل سال بگذرد و شعارهای انقلاب دست نخورد، تکان نخورد، در هیچ‌کدام از این انقلاب‌ها وجود ندارد؛ ما توانستیم این شعارها را حفظ کنیم. اما خطرناک است؛ من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم. ما اگر به سمت اشراقی‌گری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای توجّه به طبقه‌ی ضعیف، دل‌سپردگی طبقات مرفّه و زیاده‌خواه در کشور شدیم، این حرکت به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای تکیه‌ی به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است؛ این نباید اتفاق بیفتد. نخبگان جامعه باید حواسشان باشد، مدیران جامعه باید حواسشان باشد. مدیران کشور باید بشدت مراقبت کنند، مردم هم نگاه کنند، با حساسیت دنبال کنند رفتار ماها را، رفتار مدیران را؛ با حساسیت. ارتجاع چیز خطرناکی است. (بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹)
- ۲- بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹
- ۳- صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱، صفحه ۴۵۲، بند ۴

# تحلیلی بر شورش‌های اخیر از منظر اقتصادی و سیاسی



هادی طلوعی

روزنگار

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



در ۷ دی ماه ۱۳۹۶ تجمعی با نیت اعتراض علیه تورم در مشهد برگزار شد که در ابتدا ماهیت اقتصادی داشت و از نظر سیاسی حساسیت چندانی را بر نمی‌انگیخت. در روزهای پس از آن تظاهراتی صورت گرفت که در عین طرح خواسته‌های معیشتی، به سرعت رنگ سیاسی گرفت و به نفع کل ساختار حاکمیت انجامید. این وضعیت تا یک هفته بعد از آن کمابیش ادامه داشت تا در نهایت با حضور مردمی که با برگزاری راهپیمایی‌هایی حمایت خویش را از نظام ابراز می‌داشتند، پایان یافت. نکته مهم اینکه تجمعات مذکور با غافلگیری مدیران سیاسی و امنیتی ایران همراه بود یا حداقل پیش‌بینی قابل ملاحظه‌ای از وقوع آن صورت نگرفت. اما فراتر از سیر حوادث که با برقراری نظم و امنیت و کنترل اوضاع توسط حکومت پایان یافت، اهمیت ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش این اعتراضات چالش‌برانگیز است.

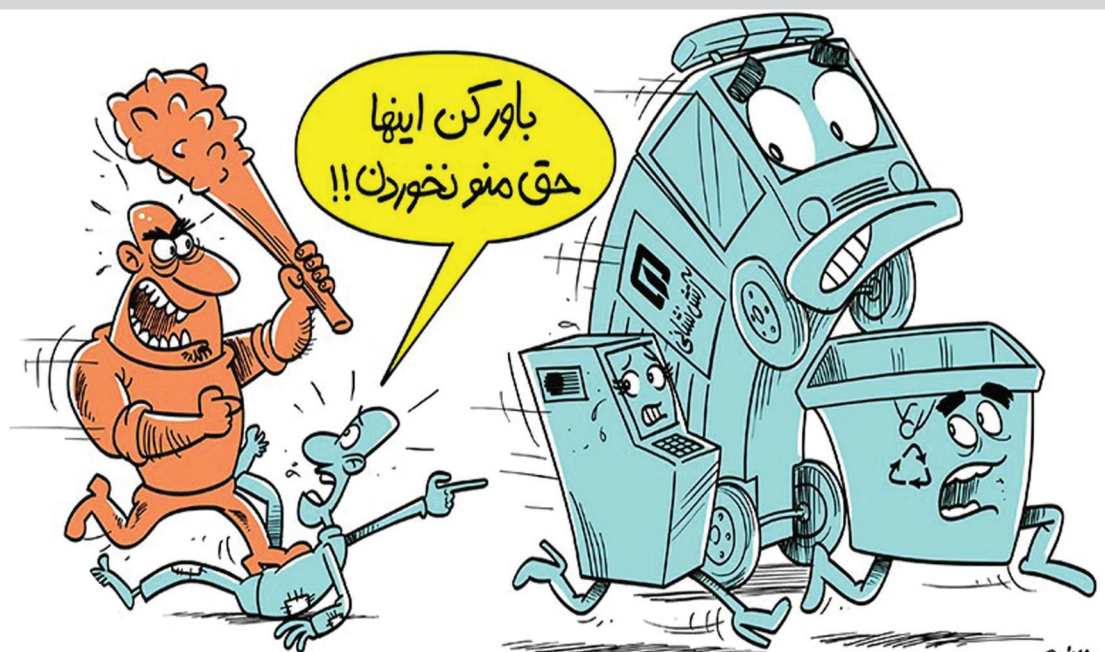
موضوع برخی از مسئولین در رده‌های دیگر، متضمن تفکیک شعارهای اقتصادی از اغتشاشات سیاسی بود و افق تحلیلی جامع‌تری ارائه می‌کرد. در چند سال اخیر رکود اقتصادی، بیکاری، موج‌های تورمی بلندمدت یا مقطعی در زمان اعتراضات، تحریم‌های خارجی، سقوط ارزش پول ملی و ورشکستگی مؤسسات مالی و اعتباری که پیامدهای اجتماعی زیان‌باری برای ایرانیان به وجود آورد، مورد تأیید آمارهای اقتصادی بوده است. برخی از این معضلات دلایل ساختاری دارند و به دلیل ویژگی‌های اقتصادی جامعه ایران به وجود آمده و در طی حاکمیت دولت‌های مختلف بر روی هم انباشته شده‌اند.

غیرمنطقی و بسیار تهاجمی دارند، اصالت و استقلال سیاسی جنبش را زیر سؤال می‌برد. در حوادث آن روزها، انواع رنگارنگی از شعارهای آزادی‌خواهانه، دموکراتیک، سلطنتی، دین‌ستیز و حتی نژادپرستانه ملاحظه شد که امکان دریافت مضمون واحد را از آن سلب می‌کرد. در عین حال، این جریان رهبری مشخص و شناخته‌شده‌ای نداشت و در بهترین حالت برخی از آن‌سوی مرزها، معترضان را تحریک می‌کردند. لازمه‌ی مشروعیت و مقبولیت هر اقدام سیاسی پیگیری اهداف انسانی، اخلاقی و پیشروانه آن است و شعارهای گذشته‌گرایانه بیشتر بعد احساسی این تظاهرات را نمایان می‌ساخت. به نظر نگارنده، برای تحلیل همه‌جانبه این حوادث باید علاوه بر دیدگاه‌های پیش‌گفته به ویژگی‌های طبقاتی، جنسیتی، سنی یا جامعه‌شناختی شرکت‌کنندگان در این تظاهرات توجه کرد. بخش عمده‌ی این افراد جوان یا از طبقات حاشیه‌نشین بودند و جمعیت‌های محروم اقتصادی یا

بیشتر شعارهای معترضین ماهیت اقتصادی داشته باشد، وضعیت رفاهی نامساعد مردم متوجه دولت خواهد بود. از سوی دیگر موضوع برخی از مسئولین در رده‌های دیگر، متضمن تفکیک شعارهای اقتصادی از اغتشاشات سیاسی بود و افق تحلیلی جامع‌تری ارائه می‌کرد. در چند سال اخیر رکود اقتصادی، بیکاری، موج‌های تورمی بلندمدت یا مقطعی در زمان اعتراضات، تحریم‌های خارجی، سقوط ارزش پول ملی و ورشکستگی مؤسسات مالی و اعتباری که پیامدهای اجتماعی زیان‌باری برای ایرانیان به وجود آورد، مورد تأیید آمارهای اقتصادی بوده است. برخی از این معضلات دلایل ساختاری دارند و به دلیل ویژگی‌های اقتصادی جامعه ایران به وجود آمده و در طی حاکمیت دولت‌های مختلف بر روی هم انباشته شده‌اند. اما در بعد سیاسی حمایت دولت‌های غربی و عربی مخالف جمهوری اسلامی، رسانه‌های اپوزیسیون، سلطنت‌طلب‌ها، سازمان مجاهدین خلق و گروه‌هایی مانند ری‌استارت که عملکرد

اگر بخواهیم به واکنش‌های رسمی که در این باره صورت گرفت، اشاره کنیم، باید به موضع دولت وقت و طرفداران جناحی و رسانه‌ای آن بپردازیم. آنان این حوادث را توطئه‌ای از سوی مخالفان خویش یا طرفداران رئیس‌جمهور پیشین اعلام نمودند که در پی بحران‌آفرینی و اخذ امتیازات سیاسی طراحی شد. چنانکه مخالفان قصد داشتند، تجمعات را در حد خواسته‌های اقتصادی حفظ کنند، اما پس از چندی که تظاهرات ادامه یافته و موج آن دامنه‌ی جمعیتی بیشتری یافت، کنترل اوضاع را از دست دادند و این امر زمینه‌ی سوءاستفاده اپوزیسیون جمهوری اسلامی و کشورهای غربی و رسانه‌های آن را برای ایجاد آشوب‌های خیابانی فراهم کرد. در قضاوت این تحلیل باید گفت که علیرغم شواهدی مبنی بر نقش مخالفان دولت در روزهای ابتدایی تجمعات، آسیب‌شناسی آن چندان جامع نیست و بیشتر بر مدار توهم توطئه و رفع مسئولیت از زمامداران وقت می‌چرخد. چرا که اگر

قومی- منطقه‌ای را نمایندگی می‌کردند. از این جهت لفظ شورش گرسنگان برای تشریح حرکت اینان به کار گرفته شد که تا حدی به واقعیت و تصور ما از تظاهرات نزدیک بود. بسیاری از این طبقات آینده مبهمی از نظر اقتصادی و اجتماعی داشتند و دلایل آن را تا حد بسیاری سیاست‌های کلان نظام می‌پنداشتند؛ افراد حاشیه‌ای و محروم که به عبارتی مستضعفان جامعه را تشکیل می‌دهند. همان مردمی که به یاری انقلاب در مراحل پایانی آن شناختند و موجب همه‌گیری و موفقیت قطعی آن شدند. اما امروز بخشی از آنان از سیاست‌های اقتصادی دولت ناراضی و نسبت به کارآمدی نظام در تأمین آتیه خویش بدبین هستند. واقعیت این است که در کشورمان با معضله‌هایی مانند فساد اقتصادی، نابرابری و تبعیض ساختاری مواجه هستیم که طبیعتاً منشا تولید احساس یاس در میان مردم خواهد بود. بنابراین بایستی به تحلیل و رفع این پدیده‌های مخرب اقتصادی- اجتماعی بپردازیم تا از پیامدهای ناگوار سیاسی آن بپرهیزیم.



مسعود ساسانیان



دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه



# حرف بزنی تا شنیده بشی



آدمای دوست دارن شنیده بشن! نیاز دارن! تشنه فهمیده شدن هستن.

روان شناس نیستم قطعاً. اما وقتی حمید باهام حرف میزنه تو چشم نگاه می کنه. منم نگاهش می کنم. جست و جو می کنم ببینم دنبال چی می گرده. فکر می کنم میخواد از اجزای صورتش بفهمه که چه احساسی از حرفاش بهم دست میده. دنبال این می گرده که متوجه حرفاش میشم یا نه! مطمئنم اگر به این نتیجه برسه که حرفاشو نمی فهمم کمتر از دغدغه هاش برام می گه.

درک شنیده ها انگاری از اون حلقه های مفقوده ست. گفتم روان شناس یا صاحب نظر نیستم تا ببینم چه تئوری هایی در این زمینه هست. اصلاً هست؟! آیا کسی بوده که از درد درک نشدن حرفی بزنه؟!

حمید تکنیک جالبی داره! وقتی حرف میزنه گاهی تو نقطه عطف های گفته هاش مکث می کنه ازم در مورد بقیه بحث یا چیزی که تعریف می کنه، می پرسه که مثلاً نظر من چیه یا حدس من برای ادامه قضیه چی میتونه باشه؟

صرف نظر از آگاه یا نا خود آگاه بودن، این رفتار ذهنی حمید واسم جالبه. تنگای سختیه حقیقتاً. باید تمرکز کنم بهترین جواب رو بدم. حقیقت اینکه با این وقفه تو صحبت کردن میخواد هم ذات پنداری کنه بدون اینکه ترحم بخوره. صادقانه بگم خودمم گاهی اینطوری میشم. در واقع ما آدمای دنبال این می گردیم که چقدر درک میشیم.

سرما سوز خوبی شده. از حساب می برم و کاپشنم رو می پوشم وقتی که پنجره رو باز می کنم. یه فنجان چایی

هم کنارم دارم. میز تدوین شلوغ خاطراتم شروع به کار می کنه. عجیب باهاش سر و کار دارم. به یاد میارم اولین باری که با حمید بیرون رفتیم بهم گفت: میدونی اول از همه، از چی تو خوشم اومد؟

گفتم: نه!

گفت: از اینکه قبل اینکه حرف بزنی به سری چیزارو فهمیدی.

بعد خندید و دندون های سیمی اش معلوم شد. راستش می خواستم همیشه اون سیم ها به دندونش باشه. اروم تر حرف میزد و دلنشین تر می شد. فکر کنم یکی از نیازهای

تنها میذاره. یکی هم مثل من فیلم میبینم تا ببینه کارگردانی بوده که تو تمام این سالها درکش کرده باشه.

کسی که شنیده نشه ممکنه داد بزنه.

حمید در رو باز میکنه. میگه: هنوز حاضر نشدی؟ گرم بیوش بیرون خیلی سرده.

میگم: کجا بریم؟

می خنده و میگه: مثل همیشه بام تهران.

میریم اونجا قدم می زنیم. ولی خیلی وقته که دیگه نمیره سمت اون تپه ها داد بزنه.

مهم جامعه بشری همینیه که آدمای قبل از اینکه حرف بزنی شنیده بشن. وقتی که در حین حرف زدن طرف مقابلم تک کلمه هایی رو میگه مثل پازل سر جاش میشینه حس می کنم تنها نیستم.

حمید اون اوایل باهام میومد می رفتیم بام تهران داد میزد. بعدش که بیشتر جوش خوردیم پیاده روی می کردیم و حرف می زدیم. تو چشمم نگاه می کنه و...

این اواخر میگه دیگه مثل اولین روزها درکم نمی کنی، من رو نمیفمی و قبل از اینکه هات چاکلت مورد علاقه اش رو تموم کنه من رو تو زمستون روی نیمکت سرد

## حسن سبک بال خیالم

مریم آریان

شعر

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

آسمانی که در آن نور تقلا می کرد  
دفتری بود و در آن طرح دلی منقوش  
است

می پرد حسن سبک بال خیالم هر روز  
شاید این بار رسد راز مگو بر دوش است  
بی چرا گله تابنده درخشان نشود

چه خوش است هر سر این گستره در  
آغوش است

آسمان شبم آمد همه جا مدهوش است  
صورت ماه نگر هاله ابری پوش است  
از بد حادثه قرن نیابردی تاب  
بیکران راه فلک در گذرم مخدوش است  
می چکد از سرب سرخی خونابه عشق  
می خورم هر دم از این خون جگر دمنوش  
است

## همسفر با باد صبا

الهام قربانعلی

شعر

دانشجوی کارشناسی ارشد سازه های آبی دانشگاه تربیت مدرس

بیگانه از خودش شده که مثل کی شود؟!  
«من» به زبان فارسی عاشق شده به «تو»  
کی ترجمه پذیر برای تو می شود  
نه این قصیده ی عربی وارداتی است  
شعری بگو غزل شده یا مثنوی شود

طنزی تو... انتظار ندارم قوی شود  
در رسم ما پلنگ اگر صورتی شود  
باد صبا کجاست، بگو خنده دار نیست  
بین من و تو یک حلزون پستیچی شود؟!  
رفته فرنگ حالت و رفتار عاشقیت



## بچه‌ها کمی احتیاط کنید!



فریده گیو

مترجم



دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی دانشگاه تربیت مدرس

ای که در شهر خیالات سبک در سفری!  
لحظه‌ای صبر بکن با توام ای بچه پری!  
و یکی هم نوشته:

"یادش بخیر هیبت آن سایه بلند!  
و شاعری به شدت نوپرداز گفته:

"همین طور شده/چشم‌هایم عین باز/ و  
صدا تغییر کرده‌تر

در ، از تمام می‌آید/ ادامه بازی را زیر  
خاک می‌کنم"

و یکی هم اعتراف کرده که عقلش کمی  
گرده و همه زندگی‌اش را دایره‌ای کرده :

"اینجا زمین همیشه من را دور می‌زند

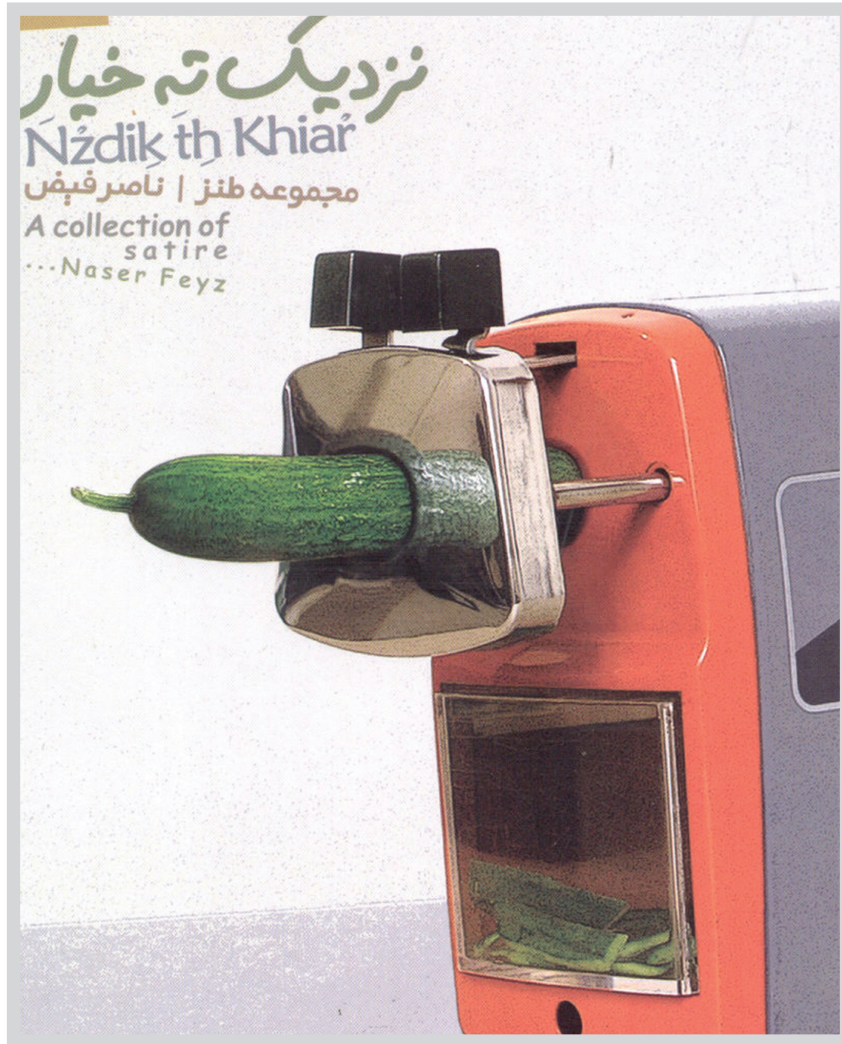
ذهن و نگاه و هر چه که دارم مدور است!"

باور کنید؟، بعضی از نمونه‌ها را، رومون  
نشد که بنویسیم، تازه ما اونقدرها هم  
مأخوذ به حیا و مبادی آداب نیستیم.  
بچه‌ها کمی احتیاط کنید!

درسته که گفتن: هر چه می‌خواهد دل  
تنگت بگو! اما نه دیگه به این گل و  
گشادی! یه جوری مطلب رو درز بگیرین  
که، بیشتر از مولای درزش نره!

اینجوری بهتره...

منبع: نزدیک ته خیار/ مجموعه طنز/ ناصر فیض  
/ انتشارات سوره مهر



بچه سوسک، بچه آهو، بچه بزار و بچه‌های  
جور دیگه و جک و جونورهای دیگه شنیده  
بودیم اما این جورش رو نه:

"تمام دایره عمر را قدم زده‌ام

از ابتدای خودم تا به انتهای خودم!

این نمونه‌های شعر، همه‌شون صاحب  
دارن، کشکی نوشته نشده، از خودمون  
در نیاموردیم، از «لا ادری» هم نیست همه  
مرجع و مأخذ دارن. حالا نمی‌خواهیم  
آدرس دقیق بدیم، فقط یک راهنمایی  
می‌کنیم؛ همه این نمونه‌ها مربوط میشه  
به یکی از مجموعه برگزیده‌های یکی از  
کنگره‌هایی که توی یکی از روزهای یکی  
از ماه‌های یکی از فصل‌های سال در یکی  
از فرهنگسراهای یکی از شهرهای کشور  
خودمون، چند ساله که برگزار میشه!  
باور کنید! حتی کلمه‌ای جا به جا نشده و  
با رعایت کامل امانت و احترام به عقیده  
بقیه، نقل شده و دموکراسی و آزادی بیان  
و اندیشه یعنی همین! هر چه می‌خواهد  
دل تنگ بگو و بده دست چاپ. یا چند  
مصراع از شعر شاعره‌ای که اسمش دردی  
دوا نمی‌کنه، شروع می‌کنیم:

"یادش بکر!

سکوت آن کویر وقتی که کوزه‌ام را پر از  
چاه می‌کردم!

و دو کفتر چاهی از تو بیرون پرید

و من خالی شدم...

تو آن ذره‌ای که باز می‌شوی یا

تحلیل می‌روی!"

شاعره‌ای که به نظر میرسه این شعر رو در  
حالت خاصی گفته باشه، فرموده:

## مشورت

الناز عارفی فر

پیام



دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس

آن‌ها کردیم (به فقیران) انفاق می‌کنند..»

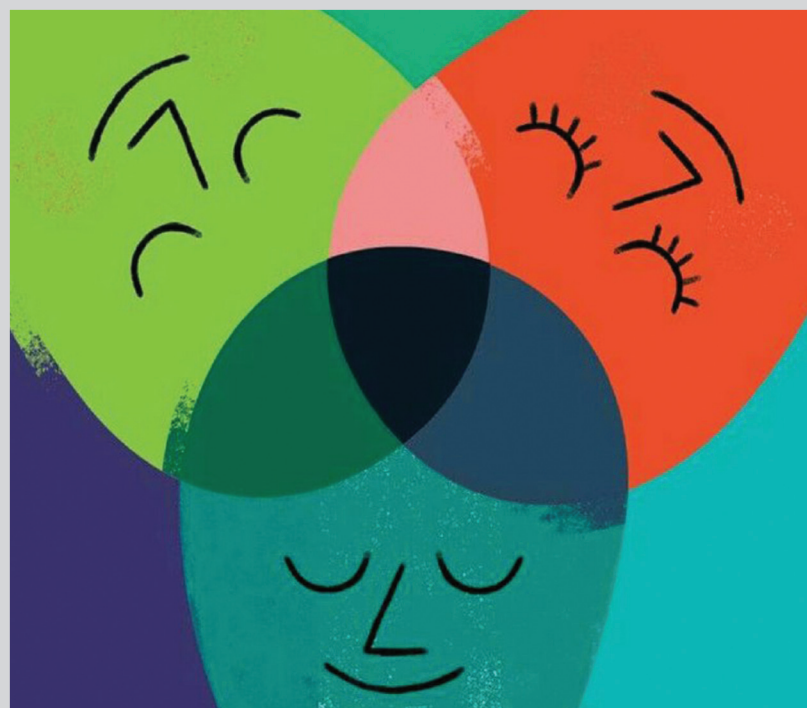
سوره شوری، آیه ۳۸:

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ  
وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
يُنْفِقُونَ

همچنین در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران  
می‌خوانیم: « به مرحمت خدا بود که  
با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و  
سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق  
می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و  
برای آن‌ها طلب آموزش کن و (برای  
دلجویی آن‌ها) در کار (جنگ) با آن‌ها  
مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با  
توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که  
بر او اعتماد کنند دوست دارد.»

سوره آل عمران، آیه ۱۵۹:

فِيَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لئن لَمْ يَأْتِكُمْ  
فَقُلُوبُ غَلِيظَةٌ لَأَنْفُسُكُمْ مِنْ حَوْلِكُمْ فَاعْفُ  
عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا  
عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُتَوَكِّلِينَ



گاهی اوقات این‌قدر از کاری که  
می‌خواهیم انجام دهیم مطمئنیم و علمی  
را که خودمان داریم کافی می‌دانیم که  
یک درصد هم احتمال نمی‌دهیم، شاید  
کسی راهی را که ما می‌رویم رفته و  
می‌تواند نظر بهتری بدهد یا روش دیگری  
برای رسیدن به هدف، نشانمان بدهد یا  
با شنیدن نظر دیگران و داشتن گزینه‌های  
بیشتر، انتخاب بهتری داشته باشیم.  
می‌توانیم این اختیار را به خودمان بدهیم  
که از نظرات دیگران استفاده کنیم یا خیر؟  
حال آن کار می‌تواند انتخاب رشته،  
انتخاب شغل، ازدواج، انتخاب مسکن  
و... باشد. شخص مشاور هم می‌تواند  
پدر، مادر، دوست نیک و خیرخواه (نه  
هر دوستی) یا یک مشاور متخصص  
باشد.

در آیه ۳۸ سوره شوری آمده است: «و  
آن‌ان امر خدایشان را اجابت کردند و نماز  
به پا داشتند و کارشان را به مشورت  
یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی

## تشویق و ترغیب عامل رشد و شکوفایی



علتش رشته‌ی پرستاری است، این امر نسبی بوده. شاید اگر من یک رشته‌ی فنی و یا علوم انسانی می‌رفتم قطعاً باز نیز این فعالیت‌ها را انجام می‌دادم. از زمانی که چشم باز کردم در خانواده مذهبی‌ای بودم که پدرم حضور داوطلبانه‌ی (حدود ۳۰ ماه) در جبهه داشتند و مادرم نیز در فعالیت‌های گروهی همیشه مشارکت فعالی داشتند. از زمانی که یادم است فعال بودم چه در دوران پیش دبستانی، کودکی و کلاس‌های قرآن و توشیح فعال بودم و چه در دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان که در تمام مقاطع، عضو فعال مدرسه و شورای دانش‌آموزی مدرسه بودم و علاوه بر کارهای فرهنگی عضو فعال ورزشی و مشارکت حرفه‌ای در مسابقات تیراندازی و کاراته به صورت استانی و کشوری داشته‌ام و انگار این مشارکت گروهی و انجام فعالیت‌های مختلف در وجودم به طور ذاتی نهادینه بوده است چرا که همیشه دوست داشته‌ام در فعالیت‌ها مشارکت موثری داشته باشم. حتی بعد از دوران پیش دبستانی، در دوران لیسانس نیز از بدو ورود در دانشگاه خیلی فعال بودم و عضو موسس هیئت ائمه‌ی بقیع در دانشگاه، عضو فعال شورای فرهنگی و اسلامی دانشگاه، مسئول جذب نیروی انسانی در بسیج حوزه مرکزی، نماینده دانشجویان رابط فرهنگی دانشگاه در خوابگاه‌ها، عضو فعال کانون مهدویت، مدیر مسئول و سردبیر نشریات دانشجویی، دانشجوی نمونه‌ی فعال پژوهشی و فرهنگی و ... بوده‌ام. این جاذبه‌ی فعالیت‌ها در وجودم طوری بوده است که اگر من هم نخواهم، طوری بشود که این فعالیت‌ها سمت من کشیده شوند. البته در ارتباط با فعالیت‌های عام‌المنفعه، این رشته‌ام بوده است که باعث شده ارتباط با تیم‌های مختلف درمانی گسترده‌تر از حالت معمول گردد و یا بتوانم با سازمان‌های مختلف از جمله وزارت بهداشت و درمان همکاری‌های متعددی داشته باشم.

دریافت این جایزه انگیزه‌ای را در شما احیا نموده است یا صرفاً یک تشکر محسوب می‌شود؟ آیا مزایای مادی برای این موضوع در نظر گرفته شده است؟

باوجود این همه روابط وسیعی که دارم از این آیین‌نامه‌ی تندیس ملی فداکاری اطلاعی نداشتم. یک روز از طرف دانشگاه مدارک بنده را خواستند. اولین بار در طول عمرم بود که می‌شنیدم و خوشحال هم شدم که چنین برنامه‌ای هم وجود دارد. جنبه انگیزشی‌اش خوب است و برای من جالب بود. این تشویق‌ها و حمایت‌ها صرفاً نه تنها برای بنده، بلکه برای افرادی که بعد از من نیز می‌آیند انگیزه می‌شود و سایر دانشجویان تشویق

قبول بشوم ولیکن خواست خدا بود که وارد این رشته‌ی مقدس شوم. این رشته به من درس زیستن توأم با مهرورزی را به صورت عملیاتی و تئوریکال ارائه داد.

\* فکر می‌کنید مسئولیت شما در جامعه و از نگاه اجتماعی برونداد رشته تحصیلی شما بوده یا موارد دیگری در این زمینه دخیل بوده است؟

نمی‌توان به صورت مطلق گفت که صرفاً

نهادینه‌شدن این فعالیت‌ها باعث رشد فرهنگی جامعه می‌شود. راهکارهای زیادی هم وجود دارد که از جمله: ایجاد بستر مناسب برای انجام کمک‌های عام‌المنفعه، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناسب تشکل‌های دانشجویی، فضا سازی مناسب در محیط دانشگاه، شناسایی و تشویق دانشجویان و اساتید فعال در زمینه‌ی فرهنگی، برنامه‌های توسعه‌ی همدلی و فداکاری، تزریق روحیه‌ی نشاط و شادابی، ایجاد خودباوری، افزایش امید و اعتماد به نفس در دانشجویان، بها دادن به کارهای فرهنگی از طریق تقدیر از دانشجویان فعال ارزشی و فرهنگی، حضور مسئولین با روحیه‌ی فعالیت‌های فرهنگی.

ورزش و جوانان، و ..... ارزیابی شده که به موجب آن آیین‌نامه تندیس ملی فداکاری دانشجویان ایران را تعیین کردند.

\* شما در حال حاضر مشغول به چه کاری هستید؟

در حال حاضر با توجه به اینکه در سال آخر تحصیل هستم انجام پایان نامه به بهترین شکل و دفاع از آن در اولویت کارهایم قرار دارد. و البته شایان ذکر است که انجام نیازسنجی‌های مختلف در مناطق محروم نیز از جمله فعالیت‌هایی است که در برنامه‌ی کاری‌ام قرار دادم که ان شاء الله بعد از فارغ‌التحصیلی جهت اعزام به آن مناطق با حداکثر توان و تلاش خدمت‌رسانی گردد.

\* به لحاظ انگیزه‌های شخصی، آیا دلیل خاصی داشته که شما برای تحصیل، رشته‌ی پرستاری را انتخاب کرده‌اید؟

از دوران کودکی به رشته‌ی پرستاری علاقه داشتم چرا که از زمانی که یاد دارم مادرم با شرایط جاننازی پدرم با صبر و تحمل زیادی که داشتند استقامت کردند. که این صبر و حوصله و پرستاری‌های دلسوزانه و فداکارانه مادرم برایم بسیار ارزش داشت و آن را نمادی چون؛ صبر حضرت زینب (سلام الله علیها) می‌دانستم. البته حقیقتاً تا زمان قبل کنکور منطقم می‌گفت باید پزشکی

\* لطفا خودتان را بطور کامل معرفی کنید و بفرمایید دلیل انتخاب شما به عنوان دانشجوی فداکار در کشور چه بوده است؟

زهره قزلسفلی متولد ۴ آبان ۱۳۶۶ از استان گلستان، شهرستان گنبد کاووس و دانشجوی دکترای پرستاری ورودی سال ۹۲ تربیت مدرس هستم. مقطع کارشناسی را در دانشگاه علوم پزشکی گیلان و ارشد را در اصفهان گذراندم.

پدرم جانباز بازنشسته و بنگاه معاملات ملکی دارند. مادرم نیز خانه‌دار هستند. یک خواهر و دو برادر دارم. خواهرم دکترای ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه و هر دو برادرم ارشد حقوق خصوصی و جزا و جرم شناسی دارند.

\* ملاک‌های انتخاب شما به عنوان دانشجوی فداکار چه بوده است و توسط چه مراجع ذی صلاحی این ملاک‌ها تهیه و تنظیم شده‌اند؟

دلیل انتخاب شدنم به علت فعالیت‌های بشردوستانه‌ای که از سال ۸۵ تاکنون (۹۶) در اردوهای جهادی، خدمت‌رسانی و عام‌المنفعه در مناطق محروم داشته‌ام. درست از زمانی که در دانشگاه علوم پزشکی گیلان شروع به تحصیل کردم و به صورت مداوم تا الان که در خدمت شما هستم. اگر بخواهم این خدمات را به صورت کلی عرض نمایم، اعزام از طرف مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر و همچنین بسیج جامعه‌ی پزشکی و بسیج دانشجویی به مناطق محروم داخل و خارج کشور به صورت یکماهه، ۱۵ روزه، یک هفته و ... که از جمله‌ی آنها خدمات پرستاری ۲۰ روزه به زائرین امام حسین (علیه‌السلام) در موكب‌های کربلای معلی به صورت گروهی در مسیر بین راهی نجف به کربلا، همچنین کمک‌رسانی به روستاهای محروم استان‌های گیلان، سمنان، خراسان، گلستان، تهران و غیره. همچنین فعالیت‌های مختلف پژوهشی و فرهنگی مرتبط با این امر از جمله ثبت دو اختراع در جهت کمک به انسان و حریم شخصی آن، طرح‌های پژوهشی متعدد و فعالیت‌های فرهنگی که در این راستا انجام گرفته است.

انتخاب دانشجوی فداکار توسط معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و شورای سیاست‌گذاری آن که از جمله وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، سازمان بهزیستی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان انتقال خون، سازمان جوانان جمعیت هلال احمر، کمیته امداد امام خمینی (ره)، موسسه‌ی خیریه کهریزک، وزارت

این روحیه فعالیت فرهنگی و ارزشی را وقتی که وارد دانشگاه گیلان شدم، آقای آقابیک مسؤل ستاد شاهد و ایثارگر و مشاور ریاست دانشگاه در علوم پزشکی گیلان داشتند که به ما انگیزه می دادند تا صرفاً رشد علمی نداشته باشیم و همه جانبه رشد کنیم، و تک بعدی نباشیم. در تربیت مدرس نیز آقای دکتر شریعتی مدیریت محترم فرهنگی دانشگاه و مجموعه ی خوبشان و همچنین آقای علیپور و کادر آنها در مدیریت ستاد شاهد و ایثارگر که واقعا این مجموعه ها وقت زیادی را می گذارند و در این زمینه خیلی دانشجویان را تشویق و ترغیب می کنند. که جا دارد از تمامی این بزرگواران به واسطه ی زحمات دلسوزانه و بی دریغشان کمال تشکر و قدردانی و تقدیم احترام را داشته باشم. و همچنین از اساتید گرانقدرم که تک تک آنها در تمامی مقاطع تحصیلی (لیسانس - فوق لیسانس و دکترا) درس اخلاق و انسانیت را به من آموختند، تشکر و قدردانی ویژه ای داشته باشم.

می رویم و نگاه های به انتظار نشسته را تسکین می دهیم ....

می رویم و می دانیم که این راه جاوید است ....

بی شک در آسمان و زمین باقی خواهد ماند ....

هر آنچه از مهری که تقدیم گردد ....

هر آنچه از مهری که تقدیم گردد ....



می شوند چون می دانند که نتیجه عمل شان را دیده می شود.

هدایای این انتخاب نیز؛ یک تندیس، لوح و کارت هدیه بود.

\* برای امداد رسانی چه معیار یا معیارهایی در انتخاب های شما بوده است و چه خدماتی در آن مناطق ارائه می کردید و کدام گروه ها برای امداد رسانی بیشتر مورد نیاز بوده است؟

برای امداد رسانی، در ابتدا نیازسنجی می کنیم که کدام مناطق بیشتر به کمک نیاز دارند که اکثر روستاهای مناطق محروم هستند. کمک های ما در قالب کمک های آموزشی، درمانی و فرهنگی است که مردم بیشتر از بخش درمانی استقبال می کنند چرا که تیم درمانی از شهر و درمان نیز رایگان است. علاوه بر درمان و آموزش غربالگری هایی نیز انجام می دهیم شامل غربالگری های فشارخون، دیابت، سرطان رحم و پستان که پایلوت می کنیم تا ببینیم روند آن به چه صورت است و به شبکه ی بهداشت آن استان گزارش می دهیم تا آن ها را بررسی کنند.

\* آیا سایر دانشجویان نیز می توانند در این فعالیت ها مشارکت نمایند؟ و به نظر شما برای ترویج این حس همدلی و فداکاری در بین اقشار جوان باید چه راهکارهایی داشته باشیم؟

بله قطعاً همین طور است. سایر دانشجویان نیز می توانند با شرکت در تشکل های دانشجویی از جمله هلال احمر و بسیج دانشجویی، در این فعالیت ها حضور

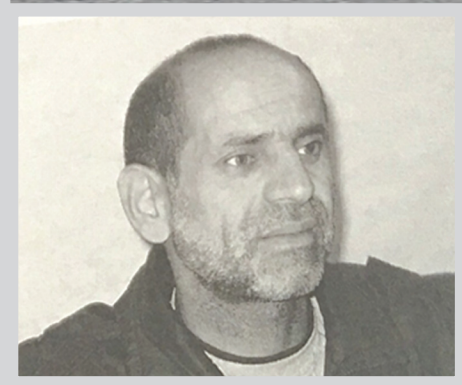
مستمر و موثری داشته باشند. آنها را تشویق به این کار می کنم چرا که لذت خاصی در این فعالیت ها وجود دارد، که هر سختی ای را تسهیل می نماید.

در ارتباط با سوال آخر، نهادینه شدن این فعالیت ها باعث رشد فرهنگی جامعه می شود. راهکارهای زیادی هم وجود دارد که از جمله: ایجاد بستر مناسب برای انجام کمک های عام المنفعه، بهره گیری از

ظرفیت های مناسب تشکل های دانشجویی، فضا سازی مناسب در محیط دانشگاه، شناسایی و تشویق دانشجویان و اساتید فعال در زمینه ی فرهنگی، برنامه های توسعه همدلی و فداکاری، تزریق روحیه ی نشاط و شادابی، ایجاد خودباوری، افزایش امید و اعتماد به نفس در دانشجویان، بها دادن به کارهای فرهنگی از طریق تقدیر از دانشجویان فعال ارزشی و فرهنگی، حضور مسئولین با روحیه ی فعالیت های فرهنگی.

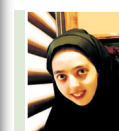
مستمر و موثری داشته باشند. آنها را تشویق به این کار می کنم چرا که لذت خاصی در این فعالیت ها وجود دارد، که هر سختی ای را تسهیل می نماید.

## حرکت نمادین نیروی حراست دانشکده ی کشاورزی تربیت مدرس



حدود ۵ ساعت طول کشید و بنده به ناچار برای رسیدن به مسابقه از ماشین پیاده شده و با پای پیاده به راهم ادامه دادم. بعد از سه ساعت پیاده روی و پس از ۲۳ ساعت در راه بودن بدون خواب و استراحت، ۱۰ دقیقه مانده به شروع مسابقه در محل مسابقه حاضر شدم.

استان اعلام کرد که ترافیک سنگین بوده و مسیر بسته است. لذا دوستان تصمیم گرفتند که به کرج برگردند. ولی بنده ماندم و بعد از ساعتی به طرف رشت حرکت کردم و ساعت ۲۳ شب به رشت رسیدم و از آنجا به طرف محل مسابقه، شهر رامسر حرکت کردم. به دلیل یخبندان، ماشین ها آهسته حرکت می کردند به طوری که مسیر یک ساعته



هانیه صمدی

گزارش



دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک بیوسیستم دانشگاه تربیت مدرس

و تخصیص بودجه به رشته دو و میدانی و برگزاری مسابقات هرچه بیشتر رشته ی دو در مناسبت های مختلف، به خصوص در رده ی پیشکسوتان به طور مجزا است تا جوانان با دیدن این دوندگان عزیز انرژی بگیرند. همچنین ایشان آمادگی خود جهت حضور در مسابقات دوی پیشکسوتان در خارج مرز ایران را نیز اعلام کرده اند.

وی از خاطرات تلخ و شیرین ورزشی پیش آمده می گوید:

که یکی از آن خاطرات بهمن سال ۹۵ می باشد. بعد از اتمام کار از اداره یکسره به اتفاق دوستان ورزشکار کرجی برای مسابقه عازم استان مازندران شدیم که به علت بسته بودن جاده چالوس تصمیم گرفتیم از مسیر استان گیلان حرکت کنیم. ساعت ۱۱ صبح حرکت کرده و ساعت ۱۸ به رودبار رسیدیم. به علت برف و کولاکی که در رشت اتفاق افتاده بود، راهداری

رضا خدادادی، ورزشکار توانمند دانشگاه تربیت مدرس به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی، مسیر دانشکده کشاورزی تا مرقد مطهر امام خمینی (ره) را دوید. وی همچنین در سال های گذشته در روز ملی فناوری هسته ای به منظور حمایت از دستاوردهای هسته ای دانشمندان کشورمان، محل دانشگاه تا سایت هسته ای فردو قم را با دو طی کرد.

رضا خدادادی، دوندگی ایثارگر و بسیجی دانشگاه، به منظور بزرگداشت هفته ی دفاع مقدس مسیر دانشگاه (جوار مزار شهدای گمنام دانشگاه) به مقصد مرقد امام راحل (ره) را دوید.

شعار دوندگی صاحب عنوان دانشگاه با انجام دوهای نمادین در مناسبت های ملی و مذهبی، تشویق جوانان به ورزش است. ایشان خواستار حمایت دانشگاهیان از چنین فعالیت های ورزشی



سال پنجم، شماره پنجاه و هفت نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۶ فوریه ۲۰۱۸

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



محمدعلی حسینی نیک

آگاهی

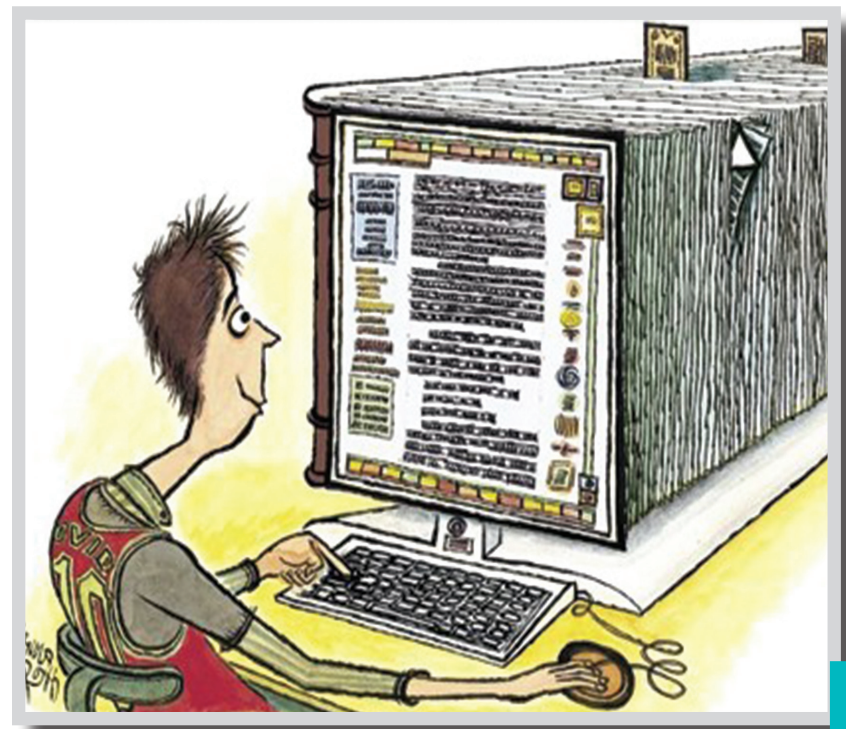


کارشناسی ارشد مدیریت سازمان های دولتی

## جهادی برای نجات مدیریت جهادی

ملال آور است؛ به جد عرض می‌کنم که ملال آور است. مطالعه مقالات و کتب مرتبط با مدیریت جهادی بسیار ملال آور است. وقتی بودجه‌های الکی برای چنین کارهایی در نظر گرفته می‌شود، دور از انتظار نیست که حتی فلان آقایی که آخر هنرمندی‌اش تألیف کتاب‌های تست متعدد باشد هم به طمع افتد و کتابی حول مدیریت جهادی بنویسد. محتوای کارش را که می‌دیدم چیزی جز کپی‌کاری و سیاه کردن صفحات با مزخرفات نبود.

اجازه بدهید حرف آخر را همین اول کار بگویم. برای بسیاری از افراد، جهاد آن است که قلم را به کناری گذاشته و در راستای اشاعه‌ی مدیریت جهادی چیزی ننویسند. باور کنید هم برای آن‌ها بهتر است و هم برای مدیریت جهادی. جایی می‌خواندم که «بعضی‌ها حرف زدن بلد نیستند؛ و مع‌الأسف حرف زدن هم بلد نیستند». برای همگان و بالأخص خود این افراد بهتر است که زبان در کام گرفته و سکوت پیشه کنند. در مقام انتشار کتاب و مقاله، چنین باید گفت که این افراد بهتر است قلم و کاغذ و وقت و بودجه مملکت را هدر نداده و بدانند که: «ای مگس! عرصه سیمرخ نه جولانگه توست...»؛ همان به که این افراد بروند کتاب تست‌شان را تألیف کنند یا اصلاً هیچ کاری نکنند. البته خب همه این‌ها را گفتیم، ولی از واقعیت نباید چشم پبوشیم. چشم‌پوشی از بودجه‌های آن‌چنانی که گاهی برای این سبک از کارها در نظر گرفته می‌شود آن‌چنان سخت است که نتیجه‌ای جز سبک‌کاری در پی نخواهد داشت.



در این مقالات شاهد هستیم این است که به‌جز یک سری از توصیه‌های اخلاقی که از قضا توسط دیگر مکاتب مدیریتی هم رد نمی‌شوند، چیز خاصی مشاهده نمی‌کنیم. چند نفر از بزرگان (!) باهم جمع می‌شوند و یک مقاله در باب مدیریت جهادی به رشته تحریر درمی‌آورند. نتایج این مقاله چیست؟ یک مدیر جهادی باید مؤدب باشد؛ یک مدیر جهادی باید دروغ نگوید؛ یک مدیر جهادی باید به کارکنان خود احترام بگذارد؛ یک مدیر جهادی نباید خلاف وعده خود عمل کند؛ یک مدیر جهادی... آخ که دلم غش کرد برای مدیریت جهادی! یک استراحتی به خودتان بدهید بزرگان (!)؛ از فرط عمقی که به مقاله داده‌اید کمرمان شکست. مثلاً در مکاتب غیردینی و الحادی، توصیه می‌شود که مدیر دروغ بگوید؟ یا مثلاً به کارکنان خود فحاشی کند؟ یا حرف بزند و به آن عمل نکند؟ اگر حتی یک سند بیاورید که در فلان مکتب به مدیر توصیه شده که یکی از این رفتارها را مرتکب شود، من اسسم را عوض می‌کنم. اما اگر من هم در دو مقطع کارشناسی و ارشد، مدیریت خوانده‌ام، باور کنید حتی یک‌بار هم ندیدم که فلان نظریه‌پرداز، چنین توصیه‌هایی ارائه دهد. خداییش اگر آن «ایمان به خدا» را از مقاله‌تان حذف کنیم، چه تفاوتی است میان مقاله شما در باب مدیریت جهادی، با مقالات در باب مدیریت‌های مثلاً لیبرالی و مارکسیستی؟ چه تفاوتی است؟

کمی به خودتان بیابید بزرگان (!)؛ اگر بلد نیستید، ننویسید. باور کنید جهاد شما در نوشتن شماست.

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری  
مدیر اجرایی و ویراستار: سوده شجاعی  
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

افراد متفاوت در بخش‌های مختلف سازمانی داده شود، می‌گوییم سبک مدیریت در سازمان غیرمتمرکز است. اینکه کدام سبک بهتر است، به متغیرهای گوناگونی بستگی دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شود «حتماً» یک سبک خاص بهتر است. گاهی باید سازمان به‌صورت متمرکز اداره شود و گاهی هم باید غیرمتمرکز باشد. مثلاً یکی از این متغیرها، سطح بلوغ کارکنان سازمان است. هر چه بلوغ کارکنان بالاتر باشد، بهتر است که مدیریت با تمرکز کمتری باشد و اگر کارکنان سازمان هنوز به بلوغ کافی نرسیده باشند، توصیه می‌شود که سطح تمرکز در سازمان، بسیار بالا باشد. البته بلوغ کارکنان فقط یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار است. مؤلفه‌های زیادی در این موضوع دخیل هستند. عرصه‌ی فعالیت هم یکی دیگر از مؤلفه‌هاست. مثلاً در عرصه‌ی نظامی و بالأخص در شرایط جنگی، توجه کمی به سطح بلوغ کارکنان می‌شود. در این شرایط سطح تمرکز همیشه بالاست. حالا شما ببینید دیگر؛ در بسیاری از مقالات، در همان اوایل بخش پیشینه موضوع یا مثلاً مقدمه، گفته می‌شود که سابقه مدیریت جهادی به هشت سال دفاع مقدس برمی‌گردد و از آن‌سو هم نتیجه می‌گیرند که مدیریت جهادی حتماً غیرمتمرکز است. مرغ پخته از این تناقض را نخندد جای تعجب است.

یا مثلاً در بسیاری از این مقالات اگر به‌جای عبارت مدیریت جهادی، عبارت مدیریت اسلامی بکار ببریم هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد و به ساختار مقاله هیچ آسیبی نمی‌رسد. خب این چه مقاله‌ای است که اگر عبارت اصلی آن را تغییر دهیم هیچ خللی به آن وارد نمی‌شود؟ این مقاله اگر نوشته نشود باور کنید بهتر است.

یکی دیگر از مجموعه کرامات دیگری که